

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان و ادبیات

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد - رشته زبان و ادبیات فارسی

تبیین جایگاه میرزا حبیب اصفهانی در دستورنویسی فارسی

استاد راهنما :

سرکار خانم دکتر فرانک جهانگرد

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر

پژوهشگر :

رضا کمالی

شهریورماه ۱۳۹۸

از خانواده ام که با زحمات فراوان و محبت‌های بی دریغ خود، در تمام مراحل زندگی ام پشتیبان و باعث دلگرمی و قوّت قلب من بوده اند، از صمیم قلب سپاسگزارم.

تقدیم به مادر عزیزتر از جانم که هیچگاه نمی توانم گوشه ای از مهربانی و دلسوزی او را جبران نمایم و امیدوارم فرزندی شایسته برای او بوده و باشم.

چکیده:

از حوزه های مهم در بررسی زبان و ادبیات ملل «دستور زبان» آنهاست. «دستور زبان» مجموعه قواعد و اصولی است که در تقدیم و تأخیر و تجزیه و ترکیب کلمات و جملات در هر زبان توسط گویندگانش رعایت می گردد. یکی از قسمتهای مهم در شناخت دستور زبان، کشف و درک سیر تطوّر و تحوّل آن است. در عصر قاجار بخصوص دوران ناصرالدین شاه که به علت جوانب فردی و جمعی، «عصر بیداری و تجدّد» محسوب می شود، زبان و ادبیات فارسی نیز، بویژه در اصول و مبانی، دستخوش دگرگونی اساسی و بنیادین شد. «صرف و نحو» یکی از آنهاست که با دیدگاههای تازه و نوینی مانند آثار میرزا حبیب اصفهانی بویژه **دستورسخن** او روبرو شد. آثار دستوری نوین میرزا حبیب در زمینه دستور زبان فارسی چندان اهمیت دارد که حتی رگه هائی از «دستور بر پایه زبان شناسی» در آنها به چشم می خورد. از تأثیرات برجسته او در دستورنویسی فارسی می توان به «ارایه یک تقسیم بندی جدید برای «کلمه» (اقسام نهگانه)، اقسام دوگانه برای «صفت» (سیط یا سماعی و مرکب یا قیاسی)، اصطلاح «کنایات» و اشتغال آن بر «ضمایر، اسمای اشاره، ادوات استفهام، موصولات، مبهمات»، ارایه یک تعریف جدید برای فعل «مضارع» و یکسان دانستن آن با فعل «حال»، اصطلاح «فروع فعل» یا «فروع افعال» و اشتغال آن بر «صفت مشبّهه، صیغه مبالغه، صیغه حالیه، حاصل مصدر، اسم مصدر، اسم آلت»، اصطلاح «شخص» برای اقسام ششگانه تصریف، دو اصطلاح «مفعول صریح» و «مفعول غیرصریح» برای اقسام مفعول، اقسام دوگانه برای جمله براساس «جزء دوم» (ولی با همان دو اصطلاح سنتی)، دو جزء جدید «فاعل و فعل» برای جمله فعلیه، تفکیک «حروف»، «ادوات» و «اصوات» از یکدیگر به عنوان سه قسم از اقسام کلمه» اشاره نمود؛ این در حالی است که در دستورنویسی وی اشکالاتی مانند «تعریف مجهول با مجهول در تعریف مقولات و مفاهیم، ارایه تعاریف و مفاهیم دستوری اغلب براساس متون منظوم و منثور ادب کهن فارسی به جای زبان رایج زمانه، تفکیک مطالب دستوری در دو حوزه «نوشتار» (نظم و نثر) و «گفتار» (محوّره و مکالمه)، خلط قواعد دستوری با قواعد املائی و...» مشهود است. ما در این پژوهش با محوریت آثار دستوری میرزا حبیب و تأکید بر **دستورسخن و دبستان پارسی**، چهار اثر دستوری دیگر عصر قاجار (دو اثر به عنوان آثار پیش از میرزا حبیب و دو اثر دیگر به عنوان آثار پس از وی) را تحلیل خواهیم کرد تا هم سیر تحوّل و تطوّر زبان فارسی و شیوه دستورنویسی فارسی و تأثیر و تأثرات آثار دستوری عصر قاجار را نشان دهیم و هم جایگاه میرزا حبیب اصفهانی را در دستورنویسی فارسی، از رهگذر دو اثرش آشکار سازیم.

واژگان کلیدی: دستور زبان فارسی، میرزا حبیب اصفهانی، دستورسخن، دبستان پارسی، قواعد صرف و نحو فارسی، رساله در صرف و نحو فارسی، لسان العجم، دستور کاشف.

فصل اول: کلیات	۲
بیان مسئله	۳
شرح حال میرزا حبیب اصفهانی	۳
جایگاه علمی و ادبی میرزا حبیب اصفهانی	۶
آثار میرزا حبیب اصفهانی	۷
شعر	۷
ترجمه	۸
تصحیح	۱۴
دیگر آثار	۱۴
روزنامه نگاری	۱۵
آثار دستوری	۱۶
اهمیت و ضرورت پژوهش	۲۰
اهداف پژوهش	۲۱
قلمرو پژوهش	۲۱
سؤالات پژوهش	۲۱
پیشینه پژوهش	۲۱
جنبه نوآوری پژوهش	۲۴
روش پژوهش	۲۵
روش جمع‌آوری اطلاعات	۲۵
روش تجزیه و تحلیل اطلاعات	۲۵
فصل دوم: توصیف و نقد قواعد صرف و نحو فارسی (احتمالاً تألیف ۱۲۶۲ق.) و رساله در صرف و نحو فارسی (تألیف ۱۲۷۵ق.)	
معرفی دو اثر	۲۶
وجوه اشتراک دو اثر	۳۰
وجوه افتراق دو اثر	۳۲
مباحث نحوی در «قواعد صرف و نحو فارسی» و «رساله در صرف و نحو فارسی»	۷۲
فصل سوم: توصیف و نقد دستورسخن (چاپ ۱۲۸۹ق.) و دبستان پارسی (چاپ ۱۳۰۸ق.)	
معرفی دو اثر	۷۹
وجوه اشتراک دو اثر	۸۲
وجوه افتراق دو اثر	۹۵

اشکالات عمده در «دستورسخن» و «دبستان پارسی»	۱۴۵
صرف و نحو عربی در «دستورسخن» و «دبستان پارسی»	۱۵۰
از «تذییل در تعریف و تنکیر» در «دستورسخن» تا «تعمیم و تخصیص» در «دبستان پارسی»	۱۵۲
رابطه: ضمیر اسنادی یا فعل؟	۱۵۶
«دستوراللغه» ادیب نظری و دستورنویسی میرزا حبیب اصفهانی	۱۵۷
مباحث پس از مبحث «اصوات» در «دستورسخن» و «دبستان پارسی»	۱۵۸
شاهدمثالها در «دستورسخن» و «دبستان پارسی»	۱۵۹
فصل چهارم: توصیف و نقد لسان العجم (تألیف ۱۳۰۵ق.) و دستور زبان فارسی (چاپ ۱۳۲۸ق.)	۱۶۱
معرفی دو اثر	۱۶۲
وجوه اشتراک دو اثر	۱۶۳
وجوه افتراق دو اثر	۱۶۶
«تعریف و تنکیر» از نظر میرزا حبیب اصفهانی و میرزا حسن خان طالقانی	۱۹۹
جمع بندی و نتیجه گیری	۲۰۱
کتابنامه	۲۴۳
Abstract	247
عنوان انگلیسی	۲۴۸

فهرست جدولها

عنوان	شماره صفحه
جدول ۱-۲ اقسام فعل و مشتقات براساس مصدر «گفتن» در «قواعد صرف و نحو فارسی» و «رساله در صرف و نحو فارسی»	۳۸
جدول ۱-۳ اقسام فعل و مشتقات بر اساس مصدر «بودن» در «دستورسخن» و «دبستان پارسی»	۱۳۰
جدول ۱-۴ اقسام فعل و مشتقات براساس مصدر «رفتن» در «لسان العجم» و «دستور کاشف»	۱۸۳

پیشگفتار:

ماه مهر یا آبان سال نود و شش بود در جلسه ای که با دکتر رادفر و دکتر جهانگرد داشتم، به این نتیجه رسیدیم که دربارهٔ بُعد دستورنویسی میرزا حبیب اصفهانی مطالعاتی اجمالی و مختصر داشته باشیم تا در صورت رسیدن به نتیجه مطلوب، موضوع دقیق پایان نامه مشخص گردد. در ابتدای کار بخصوص که از موضوعات قبلی پایان نامه ام، طرفی نبسته بودم، به این موضوع نیز چندان دلخوش نبودم و به نتیجه آن امید نداشتم. اما به مرور زمان و با مطالعه و آشنایی هر چه بیشتر با ابعاد مختلف علمی و تحقیقی-پژوهشی میرزا حبیب و خدمات ارزنده او به زبان و ادب فارسی، به این موضوع علاقمند شدم؛ البته اقامت میرزا حبیب در استانبول و تألیف و چاپ آثارش در آن شهر و تسلط کمابیش خودم بر زبان ترکی عثمانی و ترکی استانبولی، مزید بر علت شد تا به این موضوع و مخصوصاً خود میرزا حبیب اصفهانی علاقه بیشتری پیدا کنم. در همان یکی دو ماه اول شرح حالی از میرزا حبیب نوشتم و به استاد راهنمای خود، تقدیم کردم و با بررسیهای دیگر آثار دستوری زبان فارسی و پیشنهادهای استاد راهنما و تأیید و رد آنها از سوی استاد مشاور، نهایتاً مقرر شد که دو اثر دستوری گرانسنگ میرزا حبیب اصفهانی یعنی **دستورسخن و دبستان پارسی** را محور اصلی کار خود قرار دهم و آنها را با چهار اثر دستوری دیگر معاصر او مقایسه کرده و تأثیرات دستورنویسی او از **قواعد صرف و نحو فارسی** (چاپ ۱۲۶۲ق.) از عبدالکریم ایروانی و **رساله در صرف و نحو فارسی** (تألیف ۱۲۷۵ق.) از شیخ محمد کریم خان کرمانی و تأثیرات آثار دستوری میرزا حبیب بر **لسان العجم** (چاپ ۱۳۰۵ق.) از میرزا حسن طالقانی و **دستور زبان فارسی** معروف به **دستور کاشف** (چاپ ۱۳۲۸ق.) از غلامحسین کاشف را بررسی کرده و نشان دهم. البته چون از «قواعد صرف و نحو فارسی» تجدید چاپی تازه ای در سالهای اخیر صورت نگرفته بود، پس از جستجوی در کتابخانه ها و دانشگاهها، نهایتاً توانستم دو نسخه چاپ سنگی آن را در کتابخانه ملی پیدا کنم و یکی از آنها را که به پیشنهاد متصدی نسخ، مناسبتر از دیگری بود، به صورت مجموعهٔ فایل‌های تصویری از طریق نامهٔ الکترونیکی دریافت کنم اما پس از بررسی آن متوجه شدم که یک برگ یعنی دو صفحه از آن -که احتمالاً بخش کوچکی از آن مربوط به «فایدهٔ نهم» و بخش اعظمش مطالب «فایدهٔ دهم» باشد- افتاده و مفقود است. با وجود تسلط نسبی بر زبان ترکی عثمانی و استانبولی، چون از شیوهٔ مآخذشناسی و چند و چون طبقه بندی کتب مرجع آن زبان، آگاهی کافی نداشتم -و ندارم- و نیز بررسی آنها نیازمند زمان بیشتری بود، فقط توانستم به دو مقالهٔ استانبولی دسترسی یابم و از آنها در مطالب مربوط به شرح حال میرزا حبیب استفاده کنم. شاید اگر هم زمان و هم دانش کافی داشتم، می توانستم مطالب دسته اولی از احوال و آثار «حبیب افندی» در منابع ترکی موجود از دانشگاهیان و مراکز علمی ترکیه ارائه کنم. البته پس از این نیز تمرکز بیشتری بر «میرزا حبیب» خواهم داشت و دیگر ابعاد علمی پژوهشی او را در منابع فارسی و بخصوص ترکی دنبال خواهم کرد و آرزو دارم که فرصتی دست دهد تا آثار وی را در ترکیه و استانبول از نزدیک و بدون واسطه بررسی کنم. در آخر، امیدوارم توانسته باشم در این پژوهش، مطالبی سزاوار آن «نابغهٔ فصل و ادب» و تبیین جایگاه دستوری او ارائه کرده باشم.

فصل اول:

كليات

بیان مسئله

دستور زبان فارسی در عصر قاجار مخصوصاً عهد ناصری و پیشامشروطه، همچون دیگر علوم و فنون، از دیدگاه‌های نوینی مورد توجه ویژه قرار گرفته، متحول شد و آثار متعدّد و مختلفی دربارۀ آن تألیف شد. میرزا حبیب اصفهانی یکی از همین دستورنویسان قاجاری است که در تبعیدگاه استانبول آثاری ارزشمند و فراوان برای دستور زبان فارسی پدید آورد. وی با انتشار **دستورسخن** در سال ۱۲۸۹ق. منشأ تحوّل اساسی در دستورنویسی فارسی شد و با چاپ **دبستان پارسی** در سال ۱۳۰۸ق. آرای نوین خود دربارۀ دستور زبان فارسی را که براساس اصول گرامر زبان فرانسه بود، کامل کرد. برای تبیین جایگاه میرزا حبیب به عنوان «دستورنویس» در میان دستورنویسان بویژه دستورنویسان معاصرش تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است. به همین جهت، ما قصد داریم با تأکید بر این دو اثر دستوری میرزا حبیب اصفهانی دیدگاه و اندیشه وی در زمینه دستور زبان فارسی را بیان کنیم و در مقام مقایسه، نظرات دستوری او را با «قواعد صرف و نحو فارسی» (تألیف پیش از ۱۲۶۲ق.) و «رساله در صرف و نحو فارسی» (تألیف ۱۲۷۵ق.) - به عنوان آثار دستوری پیش از او - و نیز با «لسان العجم» (تألیف ۱۳۰۵ق.) و «دستور زبان فارسی» (معروف به «دستور کاشف» و طبع ۱۳۲۸ق.) - به عنوان آثار دستوری پس از وی - بسنجیم تا تأثیرپذیریها، تأثیرگذاریها، نوآوریها و برجستگیها و نهایتاً نارسائیهای دستوری میرزا حبیب اصفهانی را ارایه دهیم.

شرح حال میرزا حبیب اصفهانی

بنابر دایرة المعارف بزرگ اسلامی که به دلیل استناد و اتکا به چهار منبع معاصر میرزا حبیب، دربارۀ احوال و آثار وی اطلاعات نسبتاً متقن تری ارایه می دهد، میرزا حبیب اصفهانی فرزند اسدالله، معروف به «حبیب افندی» و متخلص به «دستان»، ادیب، شاعر، مترجم و از پیشگامان تجدّد ادبی ایران و از اندیشمندان و روشنفکران عصر قاجار و پیشامشروطه، در سال ۱۲۵۱ق. / ۱۸۳۵م. در روستای «بن» - که درحال حاضر از شهرستانهای استان چهارمحال و بختیاری است - از توابع اصفهان به دنیا آمد (میرانصاری، ۱۳۹۲: ۲۰، ۹۰). وی که از طایفه علی بیگلوی قره باغی و برای امرار معاش به کتابت مشغول بود، تحصیلات مقدماتی را در اصفهان آغاز کرد و به جهت اختلاف فکری با پدرش، به تهران رفت و ادامه تحصیل داد و سپس حدود ۱۲۷۹ق. / ۱۸۶۲م. برای تحصیل ادبیات، فقه و اصول به مدت چهار سال به بغداد رفت (همان: ۹۱). هنگام بازگشت به تهران به دلیل معاشرت با روشنفکرانی چون میرزا ملکم خان ناظم الدوله، به دهری گری و بی دینی متهم و به جهت نشر کتابچه ای هجویه علیه سپهسالار

محمدخان صدراعظم اذیت و تعقیب شده به ترک تهران ناچار گردید (همان). پس از اقامت دو ماهه در صومعه ای فرانسوی در اورمیه (ارومیه)، با پنج لیره پول نقد و مرکبی که کشیشان به او داده بودند، در حالی که زخمی بود، همراه پسرعمویش، نصرالدین یا ناصرالدین وارد خاک عثمانی شد. اما پس از دو سال اقامت در عثمانی، به جهت تهدید مأمورین ناصرالدین شاه به قتل و تعیین جایزه یکصد لیره ای برای قاتل او از طرف سفیر وقت ایران در عثمانی، حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله قزوینی (سپهسالار بعدی) و بیمهری های او، ناچار شد با همکاری صاحبخانه ارمنیش بگریزد و به دلیل سابقه تدریس در سفارتخانه انگلیس و با وساطت رئیس مترجمان آن سفارت، پانزده روز در آن سفارتخانه ماند و عاقبت در سال ۱۲۸۳ق. در دارالسعادة استانبول به دولت عثمانی پناه برد و تابعیت دولت عثمانی را پذیرفت (همان: ۹۱-۹۲، ۲۹۷-۲۹۸: Dıgırođlu, 2017).

میرزا حبیب، به جهت تسلط بر زبانهای عربی و فارسی، مورد توجه «علی پاشا صدراعظم» و «احمد و فیک پاشا» قرار گرفت و به تعلیم و تدریس فارسی و عربی در «مکتبخانه سلطنتی غلظه سرای»^۱ اشتغال یافت. وی هم چنین، به مدت دوازده سال در «دارالشفا»^۲ و «مکتبخانه لسان»^۳ در استانبول به تدریس و تعلیم مشغول بود و با مواجهی که از دولت عثمانی دریافت می کرد، فراغتی به دست آورد و توانست زبان فرانسه را نیز بیاموزد و به تدریج به ترجمه آثار فرنگی بپردازد. پس از کودتای نافرجام «علی سعاوی»^۴ در «کاخ چراغان»^۵، از کار برکنار شد و پس از مدتی، دوباره به سر کار خود برگشت و به

^۱ Galatasaray Mekteb-i Sultanisi

در سال ۱۶۸۱م. در زمان سلطان بایزید دوم تأسیس و در سال ۱۸۶۸م. به فرمان سلطان عبدالعزیز با هدف تعلیم شاهزادگان و درباریان و کارگزاران دولتی خصوصاً آموزش زبان فرانسوی بازگشایی شد.

^۲ Darüşşafaka

با نام اصلی «دارالشفا الاسلامیه» به فرمان سلطان عبدالعزیز در تاریخ ۳۰ مارس (مارچ) ۱۸۶۳م. در استانبول تأسیس شده و معادل «دبیرستان عالی» یا «کالج» بوده است.

^۳ Lisan Mektebi

به وسیله وزیر معارف، کمال پاشا به منظور تعلیم زبانهای خارجی خصوصاً فرانسوی، انگلیسی و عربی به کارمندان و کارگزاران دولتی، در تاریخ ۳ مارس (مارچ) ۱۸۶۶م. در عمرانیه استانبول تأسیس شد.

^۴ Ali Suavi

(۱۸۷۸-۱۸۳۸م.) فعال سیاسی، اصلاح طلب، دین شناس و اسلامگرای رادیکال قرن نوزدهم در عثمانی بود که در کودتای سال ۱۸۷۵م. علیه سلطان عبدالحمید دوم و برای بازگردانی مراد پنجم به سلطنت، ناکام ماند و کشته شد.

^۵ Çırağan Sarayı

عضویت «انجمن تفتیش و بازرسی»^۱ در نظارت (وزارت) معارف درآمد که نشانه نهایت اعتماد دولت عثمانی به میرزاست. در این انجمن بود که او به جهت تسلط بر زبان فرانسه، پای بسیاری از آثار فرانسوی را به قلمرو عثمانی باز کرد و در مقابل، بسیاری را هم، تحت عنوان «مضر» رد نمود. وی در کنار میرزا آقاخان کرمانی از مدرّسان و معلّمان «مدرسه ایرانیان» در منطقه «غدیرگاه»^۲ در منطقه «خان والده»^۳ در استانبول بود. در زمان سفارت معین الملک در سفارتخانه ایران در استانبول، و در زمان سفارت سیداحمد خان ملک ساسانی در مدارس ایرانی استانبول تدریس کرد. علاوه بر اینها، با «دبستان ایرانیان» و روزنامه «اختر» همکاری نمود و با میرزا آقاخان کرمانی و میرزا حسین دانش و شیخ احمد روحی کرمانی دوستی داشت. او به جهت خدمت در وزارت معارف عثمانی حقوق ماهیانه چهل تومانی دریافت می کرد و از لحاظ مادی، آسوده خاطر می زیست. دوبار ازدواج کرد: نام همسر اولش «فاطمه الزهرا» و نام همسر دومش «اقبال خانم» بود. سه پسر به نامهای «محمد کمال» از همسر اول، «محمد جمال» و «محمد جلال» از همسر دوم داشت. او با خانواده اش در محله «ابوالفضل دفتردار»^۴ در «توپخانه»^۵ در استانبول می زیست. وی که در اواخر عمر دچار بیماری فربهی رماتیسم و اختلال حواس شده بود، برای معالجه رماتیسم خود به کمک «چشمه آب معدنی»^۶ به کوه «اولو»^۷ در شهر «بورسا»^۸ رفت اما آفاقه نکرد و پیش از شصت سالگی در سال ۱۳۱۰ ق. (۱۸۹۳ م.) وفات یافت و در قبرستان مخصوص ایرانیان در محله «چکیرگه»^۹ در منطقه «عثمان غازی»^{۱۰} همان شهر به خاک سپرده شد (میرانصاری، ۱۳۹۲: ۲۰، ۹۷: Dıġıroġlu, 2017: 301).

^۱ Encümen-i Teftiş ve Muayene

^۲ Kadirga

^۳ Valide Han

^۴ Defterdar Ebu'l-fazl

^۵ Tophane

^۶ Kaplica

^۷ Uludağ

^۸ Bursa

^۹ Çekirge

^{۱۰} Osmangazi

جایگاه علمی و ادبی میرزا حبیب اصفهانی

میرزا حبیب در طول حیات بیست و هفت ساله خود در استانبول به فعالیتهای متعدد و مختلف فرهنگی و مطبوعاتی از تدریس گرفته تا روزنامه نگاری و ترجمه و تألیف و انتشار کتاب دست زده است. وی در کنار فارسی و عربی، زبان ترکی آذربایجانی را نیز می دانسته و در مدت اقامت در عثمانی توانسته است زبان فرانسه را تا مرتبه ترجمه آثار برجسته ادبیات فرانسه و اروپا فراگیرد. به پاس خدمات ارزنده در سال ۱۸۸۵م. به «رتبه ثالثه»^۱ ارتقا یافت. پیشرفتهای میرزا تا به حدی رسید که حتی سفیر وقت ایران برای بازگرداندن وی به ایران تلاش کرد و برای ترفیع و اعتلای درجه میرزا حبیب در ایران از طرف شاه تعهداتی را هم بر عهده گرفت ولی بی ثمر بود.

ایرج افشار درباره جایگاه او در زبان و ادب فارسی چنین اظهار نظر نموده است:

این مرد بدون شک در تاریخ ادبی اخیر ایران نامی بلند و مقامی ارجمند دارد و به سبب آثاری که از او در دست است، می توان با کمال جرئت گفت که در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم یکی از چند تن معدود است که در تحقیق ادبی میان ایرانیان شیوه نسبتاً جدید و صحیح پیش گرفت و اهمیت میرزا حبیب اصفهانی جز این، در شیوه نثرنویسی ساده و روان و معمولی است که در آثارش نیک نمایان است (افشار، ۱۳۳۹: ۴۹۱).

وی چنان به زبان و ادب فارسی علاقه داشته که منزلش را محل اجتماع دوستداران ایران و زبان و ادب فارسی ساخته بود. وی شاعری قدرتمند و نویسنده ای چیره دست و محقق صاحب ذوق و لطیف طبع بود ولی به جهت دوری طولانی مدت از ایران و بی پروائی در سرودن اشعار هجو و هزل و طنز و نیز، عقائد متفاوت با زمانه خود، به شهرت شایسته جایگاه فرهنگی و ادبیش نرسید (ریاحی، ۱۳۶۹: ۲۵۲). از یک طرف، حکومت وقت فرانسه به جهت چاپ آثار متعدد و متنوع، «نشان آکادمیک»، «عضویت جمعیت آسیائیه پاریس» و عنوان «گزارشگر افتخاری» به وی اعطا نمود و از طرفی دیگر، دولت عثمانی به پاس سوابق و تجارب نظری و عملی در تدریس و تعلیم زبان فارسی، وی را تشویق نموده، و بنابر ضرورت استفاده آموزگاران و شاگردان دوره متوسطه عثمانی، از چاپ و انتشار کتب درسی فارسی او حمایت میکرد (Dıġıroġlu, 2017: 302). میرزا با سفارتخانه های دیگر کشورها در استانبول نیز، ارتباط

^۱ Rütbe-i salise

یا «کبار المدرّسین» از درجات علمی عالی برای معلّمین و مدرّسین مدرسه سلیمانیه و دیگر مدارس علمیه بوده که معادل درجه نظامی "Bınbaşı" یا «امیر تومان» در عصر عثمانی است (Ertan, 1990: 107).

نزدیکی داشت؛ به طوری که **دستورسخن** را در حمایت «حسنعلی خان امیرنظام گروسی»، سفیر وقت ایران در عثمانی و لطائف عبید زاکانی (منتخبات عبید زاکانی) را با مقدمه مسیوه ه. فرته^۱ منتشر کرد و در سفارت انگلیس نیز تدریس می نمود.

رحیم رئیس نیا میرزا حبیب اصفهانی را ابتدا از روشنفکران فراری به جهت برچیدن بساط فراموشخانه، با وابستگی یا ناوابستگی بدان، برشمرده است که «به علت تشدید اختناق به عثمانی گریخت» (رئیس نیا، ۱۳۷۴: ۲۰۲). سپس او را در شمار «روشنفکران صاحب قلم»، «روشنفکران ایرانی پناه گرفته در استانبول» و «هم سن و سال طالبوف و حاج زین العابدین مراغه ای» آورده است که به علت «خفقان استبداد قاجاری» به عثمانی پناه برد و «آثار ارزنده ای را تصنیف و تألیف و ترجمه» کرد (همان: ۴۹۷).

آثار میرزا حبیب اصفهانی

میرزا حبیب در منابع گوناگون به عنوان «معلم»، «مدرّس» و «استاد زبان و ادب فارسی و عربی»، «شاعر»، «ادیب»، «مصحح»، «مترجم»، «مؤلف» و «فهرست نویس» معرفی شده است و از شعرسرایی و تصحیح و تألیف (هم کتب درسی - آموزشی و هم کتب ادبی و فرهنگی) گرفته تا ترجمه آثار فرانسوی و عربی و چاپ گزیده از متون کلاسیک ادب فارسی و نیز روزنامه نگاری در روزنامه «اختر» آثار متعددی به وجود آورده است.

اینک هریک از حوزه های فعالیت میرزا حبیب اصفهانی به طور تفصیلی بیان می گردد:

شعر

میرزا در کنار فعالیتهای تدریس و تحقیق، شعر نیز می سرود. در اشعار نخستین خود «دستان» تخلص می کرد ولی در آخرین سروده هایش از ذکر تخلص چشم پوشی کرده است. دیوان اشعار فارسی میرزا حبیب که نسخه دست نویس آن به خط تعلیق و با نام «مجموعه آثار و فوائد» به همراه شرح حال نیم

^۱ Henri Ferté

(۱۸۷۳-۱۹۳۵ م.) از شاگردان جیمز دارمستتر و از کارمندان و بعدها سفیر و سرکنسول سفارت فرانسه در استانبول که با میرزا حبیب همکاری داشته و بعدها به مقام کنسول و سپس ریاست دفتر سفارت فرانسه در تهران منسوب گشته است.

صفحه ایش در کتابخانه «آثار نادر» در دانشگاه استانبول نگهداری می شود، شامل غزلیات و قصائد است (Dıġıroġlu, 2017: 305). قصائدش «غراً و گرانبها» و دارای «زبانی جدید و فلسفه ای مخصوص» است و غزلیاتش «دلفریب و ظریف» و دارای «استعارات و کنایات و کلمات تازه» و منحصر به خود اوست (خان ملک ساسانی، ۱۳۰۸: ۱۱۸). هم چنین، در دیوان او پنجاه غزل از «خواجه شمس الدین حافظ» مانند ابواسحاق اطعمه شیرازی ولی به شیوه عبید زاکانی تضمین شده است (همان؛ شریفی، ۱۳۸۳: ۶، ۳۱۷؛ Dıġıroġlu, 2017: 305). اشعار میرزا حبیب دارای «هزل و هجو» در کنار «شیرینی و شوخی و دلربائی و متانت و تتبع و رجولیت» و «یک نوع رندی و قلندری جدید» محسوب شده است (خان ملک ساسانی، همان: ۱۱۷). علاوه بر دیوان شعر، منظومه هایی نیز سروده است؛ منظومه «...پیرنامه» (۱۳۰۰ق. و ۱۸۸۸م. بصورت پنهانی در استانبول) از «شاهکارهای ادبی زبان فارسی» تواند بود (همان). منظومه های «چهارگاه...س مهستی» (۱۸۸۳ استانبول)، «نوی بوسه و راز بستر» (این دو منظومه نیز مخفیانه طبع شده اند)، «مولود نبوی» و منظومه شصت بیتی «تاریخ آل عثمان» نیز از دیگر سروده های میرزا حبیب است که هنوز در دانشگاه استانبول نگهداری می شود (همان؛ شریفی، ۱۳۸۳: ۶، ۳۱۶-۳۱۷؛ Dıġıroġlu, 2017: 304-305). میرزا حبیب علاوه بر زبان فارسی، اشعاری به زبان ترکی نیز دارد که در قیاس با اشعار فارسیش خیلی پیش پا افتاده و ابتدایی است (همان: 306). «کارخانه شعرسازی یا بافی میرزا حبیب» چندان فعال و مطلوب بوده که قصاید طویل و نفسگیر او در روزنامه اختر با تعاریف و القاب پر آب و تاب «باسمه ای» چاپ می شده است (رئیس نیا، همان: ۵۱۴). میرزا حسین خان دانش شعر میرزا حبیب را «فاقد نفخه جان بخش و هیجان انگیز مخصوص شعرای بزرگ» و اغلب دارای «صنایع ادبی و نکات ظریف و دلپسند و ملاحظت الفاظ» دانسته است که «با این هنرها انظار عموم را بر خود متوجه می ساخت» (همان: ۵۱۶).

ترجمه

سرگذشت حاجی بابای اصفهانی که ترجمه رمان «ماجراهای حاجی بابای اصفهانی»^۱ نوشته «جیمز جاستینین موریه»^۲ بوده و به عنوان «اولین رمان در زبان فارسی» نیز شناخته شده است. مجتبی مینوی بر

^۱ The Adventures Of Hajji Baba Of Ispahan

^۲ James Justinian Morier

(۱۷۸۰-۱۸۴۹م). دیپلمات و نویسنده بریتانیایی و مأمور سیاسی بریتانیا در ایران مقارن با سلطنت فتحعلیشاه قاجار.

آن است که میرزا حبیب این اثر را از روی ترجمه فرانسوی آن^۱، به فارسی برگردانده و خود وی نسخه خطی این ترجمه را به خط خود میرزا حبیب مشاهده و عکس آن را نیز گرفته است (مینوی، ۱۳۸۳: ۳۱۰). لازم به ذکر است که این ترجمه از روی ترجمه فرانسوی «آگوست ژان باتیست دو فوکونپره»^۲ که در ۱۸۲۴م. انجام شده بود، در سال ۱۸۸۶م. صورت گرفته و برای نخستین بار، با نام «شیخ احمد روحی کرمانی» در سال ۱۹۰۵م. از سوی سرگرد داگلاس کراون فیلات^۳ در کلکته طبع شده است (همان: ۳۱۱). سید محمدعلی جمالزاده یک بار احتمال «تعلق این ترجمه به میرزا حبیب» یا «حدأقل مساعدت او در این کار» را ممکن دانسته است (جمالزاده، ۱۳۴۱: ۲۳). سپس این ترجمه را «از شاهکارهای نثر فارسی (بلکه شاهکار آن شاهکارها)» دانسته و علی رغم اذعان به وجود «پاره ای عبارات کهنه» و ضرورت تغییر بعضی جملات از نظر صرفی و نحوی، عبارات «ترجمه فارسی کتاب عالی است و زیاد احتیاجی به تهنید و تصحیح و تنقیح نداشت» و «استخوان بندی ترجمه به همان صورت اصلی باقی ماند» را درباره آن به کار برده است (موریه، ۱۳۴۸: پنج). او هم چنین، «اصل» و «ترجمه» این اثر را به ترتیب «از آثار گرانبهای ادبیات دنیائی» و «نمونه اعلای نثر فارسی» قید کرده است (همان). وی سپس اولاً تعلق ترجمه حاجی بابا به میرزا حبیب اصفهانی را با ارایه نامه فارسی شیخ احمد روحی به پروفیسور ادوارد براون و نامه انگلیسی براون به روحی، ثابت نموده و ثانیاً، ترجمه میرزا حبیب از روی ترجمه فرانسوی را با ذکر ترجمه فرانسوی «فوکونپره» از حاجی بابا در سال ۱۸۲۴م. در پاریس، و نامه ارسالی مجتبی مینوی، به اثبات رسانده است (همان: پانزده-نوزده).

یوسف رحیم لو نیز، معتقد است که ترجمه میرزا حبیب از اصل انگلیسی و ترجمه فرانسوی «حاجی بابا» «شیواتر» و «زیباتر» بوده و آن را برای فارسی زبانان «به صورت شاهکاری درآورده است» (رحیم لو، ۱۳۵۴: دو).

^۱ این اثر در سال ۱۸۲۴م. در پاریس با نام "Hajji Baba" و در لندن با نام "The Adventures Of Hajji Baba Of Ispahan" منتشر شد.

^۲ Auguste Jean-Baptiste Defauconpret

(۱۷۶۷-۱۸۴۳م.) سخندان، ادیب، رمان نویس، مترجم و وکیل فرانسوی که بیشتر به دلیل ترجمه رمانهای انگلیسی به فرانسه شهرت دارد.

^۳ Major Douglas Craven Phillott

(۱۸۶۹-۱۹۳۰م.) ابتدا افسر ارتش بریتانیا در هند بود و بعدها کنسول بریتانیا در ایران شد.

ملک الشعراى بهار تعلق این ترجمه به «شیخ احمد روحى کرمانى» را با قید «مشهور است» پذیرفته، مترجم آن را «از قادرترین و محکمترین ساده نویسان آن عصر» شمرده است (بهار، ۱۳۹۱: ۳، ۳۶۶). ملک الشعرا نظر خود را درباره نثر این ترجمه بدین صورت بیان نموده است:

نثر حاجى بابا گاهى در سلاست و انسجام و لطافت و پختگى، مقلد گلستان و گاه در مجسم ساختن داستانها و تحريك نفوس و ایجاد هیجان در خواننده نظیر نثرهای فرنگستان است، هم ساده است و هم فنی، هم با اصول کهنه کارى استادان نثر موافق و هم با اسلوب تازه و طرز نو همداستان، و در جمله یکی از شاهکارهای قرن سیزدهم هجرى است (همان).

یحیی آرین پور نثر ترجمه میرزا حبیب را «از بهترین نثرهای عهد اخیر» دانسته است (آرین پور، ۱۳۵۰: ۱، ۴۰۰). مؤید الاسلام جلال الدین حسینی، صاحب چاپخانه جبل المتین کلکته و ناشر «سرگذشت حاجى بابای اصفهانی» در ۱۳۲۴ قمرى در کلکته، کتاب «حاجى بابا» را «رمان» دانسته و در «تقریظ» کتاب، درباره رمان توضیحاتی ذکر نموده (مدرس صادقى، ۱۳۷۹: ده) که مدرس صادقى نیز آن را تأیید کرده است (همان: بیست و دو). جعفر مدرس صادقى با استناد به سفرنامه سیرپرسى مولس وُرت سایکس^۱ و پیشنهاد وی مبنی بر «تدریس ترجمه فارسى کتاب حاجى بابا به آموزندگان زبان فارسى در هندوستان»، ترجمه فارسى کتاب «حاجى بابا» (ترجمه ای که به اسم شیخ احمد روحى معروف بوده) را به عنوان «کتاب درسى در دانشگاهها و مدارس هندوستان» معرفی نموده است (همان: یازده). در ادامه، مدرس صادقى دغدغه اصلى دهه سوم اقامت میرزا حبیب در استانبول را «ترجمه رمان» خصوصاً اصلاح ترجمه های «حاجى بابای اصفهانی» و «ژیل بلاس سانتیلانی» به کمک شیخ احمد روحى و میرزا آقاخان کرمانى دانسته است (همان: نوزده). از جمله نظرات برجسته مدرس صادقى درباره این ترجمه میرزا حبیب به قرار زیر است:

ترجمه «حاجى بابای اصفهانی» که محصول سالهای پختگى میرزا حبیب و متكى به تجربه هایى اساسى برای کشف قابلیت های زبان فارسى است، یک ترجمه متعارف نیست و در چارچوب تنگ تعریف ترجمه نمى گنجد. ترجمه «حاجى بابای اصفهانی» بازآفرینی یک اثر گم شده و ایرانی است. متن انگلیسى در مقابل متن فارسى که از روی ترجمه فرانسه ترجمه شده است، رنگ میبازد و در بسیاری از موارد ترجمه ای تحت اللفظى از متن فارسى به نظر مى رسد. تسلط خیره کننده نویسنده متن فارسى بر زبان و اعتماد به نفسى که در روایت متن فارسى وجود دارد، نه تنها هیچ

^۱ Sir Percy Molesworth Sykes

(۱۸۶۷-۱۹۴۵م). ژنرال ارتش بریتانیا در هند، نویسنده و جغرافیدان انگلیسى و بعدها فرمانده پلیس جنوب ایران و سرکنسول انگلیس در ایران.

اثری از رنگ و بوی ترجمه باقی نمیگذارد، بلکه به عکس، اصل انگلیسی را در سایه قرار می دهد. ... هیچکس به اندازه میرزا حبیب این فرض مطرح شده [یادداشت‌های اثر گم شده «سرگذشت حاجی بابا» به قلم خودش] در فصل مقدماتی کتاب موریه را جدی نگرفت و منظور اصلی او از «ترجمه» کتاب موریه، بازسازی و احیای همان اثری بوده است که به ادعای موریه مبنای رمان «حاجی بابا» است. ... اولین رمانی که به زبان فارسی و به دست یک ایرانی نوشته شد. جا دارد که ما هم با خواندن این اولین رمان فارسی ... درود و مرحبا بفرستیم (همان: بیست - چهل).

کریم امامی ترجمه میرزا حبیب را «غیردقیق» ولی «موفق» دانسته است (امامی، ۱۳۵۳: ۵۰). او درباره این ترجمه چنین اظهار نظر کرده است:

اگر ضوابط ترجمه خوب را چنانکه معمول است دقت و امانت و روانی بدانیم، ترجمه میرزا حبیب تنها در مورد سوم نمره خوب می گیرد و در دو مورد قبل رفوزه می شود. ... ترجمه ای است که اگر به لفظ کتاب وفادار نیست، به روح کتاب وفادار است ... یک ایرانی با ذوق و صاحب سبک در نظم و نثر، مطالب کتاب را در واقع در شرایط موقعیتهای داستانی کتاب، بازنویسی کرده است و حاصل کار کتابی است که بسیاری از قسمتهای ترجمه فارسی آن بهتر و گویاتر و شیواتر از اصل انگلیسی آن است. چون به جرئت میتوان گفت که «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» یکی از بهترین نمونه های نثر فارسی در دوران قاجار است ولی به هیچ وجه نمی توان گفت که اصل انگلیسی «حاجی بابا»ی جیمز موریه یکی از بهترین نمونه های نثرنویسی انگلیسی در قرن نوزدهم است. ... کار میرزا حبیب همانقدر موفقیت آمیز است که کار ادوارد فیتس جرالدر ترجمه رباعیات خیام به زبان انگلیسی و در عین حال، هیچ کدام دقیق و منطبق بر اصول پذیرفته ترجمه نیست (امامی، ۱۳۵۳: ۵۰-۵۱).

«سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» از جمله ترجمه های آثار اروپایی است که اشکال و سبکهای ادبی جدید اروپایی را به ادبیات و نثر فارسی معرفی کرده و بر «نثر مدرن فارسی» تأثیر گذاشته است (محسنی و خاچاطوریان سرادهی، ۱۳۹۰: ۷۹۶).

گزارش مردم گریز. ترجمه منظوم نمایشنامه کمدی «میزانتروپ»^۱ نوشته «ژان باتیست پوکلن»^۲ مشهور به «مولیر»^۳ است که حبیب افندی آن را ترجمه و به شکل مستقل، در ۱۲۵ صفحه در ۲۵ ربیع الاول

^۱ Misanthrope

^۲ Jean-Baptiste Poquelin

(۱۶۲۲-۱۶۷۳ م.) از نمایشنامه نویسان برتر فرانسوی در درام و کمدی و از هنرپیشه های تئاتر در اروپا.

^۳ Molière

۱۲۸۶ق. در مطبعه «تصویر افکار» استانبول منتشر نموده است (آرین پور، ۱۳۵۰: ۴۰۲). البته رحیم رئیس نیا ادعای «انتشار این ترجمه به صورت پاورقی در روزنامه «اختر» را با استناد به سال انتشار این اثر (۱۲۸۶ق.) و سال آغاز انتشار روزنامه اختر (۱۲۹۲ق.) و نیز «تصحیح و دقت نظر خود در غالب دوره های اختر» منتفی و مردود دانسته است (رئیس نیا، همان: ۴۹۹).

یحیی آرین پور که از هویت مترجم اطلاعی نداشته، مترجم این اثر را به دلیل داشتن «رنگ ترکی»، عبارات تاریک و نارسا که «رایحه ترکی میدهد» و اسامی اشخاص، از فارسی زبانان مقیم ترکیه دانسته است (همان: ۳۳۷-۳۳۸). اما رحیم رئیس نیا استفاده میرزا حبیب از «آدامجیل» را که ترجمه منظوم ترکی آن از احمد و فیک پاشا و معاصر میرزاست، «احتمال ضعیف» تعبیر کرده است (رئیس نیا، همان). سید محمدعلی جمالزاده این ترجمه را از ان میرزا حبیب دانسته ولی ایرج افشار آن را «منسوب به وی» محسوب کرده است (جمالزاده، ۱۳۴۱: ۲۳؛ افشار، ۱۳۸۸).

این اثر از یک طرف، از جمله ترجمه هایی بوده که با به کار بردن لغات روزمره، راه را برای ساده نویسی نثر فارسی، و با تأثیر بر «ذوق ادبی و عادات خواندن ایرانیان» راه سبک جدید نوشتن را هموار ساخته و از طرفی دیگر، نخستین ترجمه «نمایشنامه» اروپایی به فارسی محسوب شده است (محسنی و خاچاطوریان سرادهی، ۱۳۹۰: ۷۹۵-۷۹۶).

این اثر نخستین ترجمه یک متن نمایشی غربی به فارسی است که میرزا آن را سه سال پس از ورود به استانبول احتمالاً با کمک میرزا ملکم خان ناظم الدوله و استفاده از ترجمه ترکی آن، از فرانسه به فارسی برگردانده است (میرانصاری، ۱۳۹۲: ۲۰، ۹۶).

سرگذشت ژیل بلاس. ترجمه رمان ژیل بلاس دو سانتیلان^۱ از آلن رنه لوساژ^۲ است. مجتبی مینوی تعلق این اثر به محمد خان کفری کرمانشاهی را رد نموده و این اثر را به همراه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، «از آثار خامه میرزا حبیب اصفهانی» دانسته و به وجود «نسخه خطی آن به کتابت میرزا آقاخان کرمانی در کتابخانه اونیورسیتته استانبول با تصریح به اینکه ترجمه حبیب افندی است» و «عکس آن گرفته شده و در طهران هست» اذعان کرده است (مینوی، ۱۳۸۳: ۳۱۱-۳۱۲).

۱ Gil Blas de Santillane

۲ Alain-René Lesage

(۱۶۶۸-۱۷۴۷م.) رمان نویس و نمایشنامه نویس فرانسوی قرن هفدهم و هجدهم میلادی.

جعفر مدرّس صادقی نظر خود را درباره ترجمه ژیل بلاس سانتیلانی از میرزا حبیب چنین بیان کرده

است:

در ترجمه «ژیل بلاس» دست میرزا کاملاً باز نیست و التزام بیشتری [در قیاس با «حاجی بابا»] به متن اصلی احساس می‌کند. ... با فارسی کردن اسامی و القای حال و هوای بومی به متن و به کار بردن اصطلاحات زنده ای که از زبان گفتار زمانه اش برآمده، از رمان رنه لوساژ فرانسوی با شخصیتها و زمینه وقوع اسپانیایی، رمانی خلق می‌کند که برای خواننده فارسی زبان ایرانی کاملاً آشنا و ملموس است و نمونه بی نظیری از یک ترجمه نبوغ آمیز به دست می‌دهد که با اصل اثر پهلو می‌زند. ... انتخاب «ژیل بلاس» برای ترجمه به هیچ وجه از سر تفنّن نیست. «ژیل بلاس» الگوی جیمز موریه برای نوشتن کتابش بود و در این الگوبرداری چنان شیفتگی و مبالغه ای نشان داد که به کُپیه برداری و تقلید متهم شد (مدرّس صادقی، ۱۳۷۹: بیست و یک).

رحیم رئیس نیا دو ترجمه مزبور را به یک شیوه و زمان انتشارشان را پس از مرگ میرزا حبیب دانسته و احتمال استفاده میرزا حبیب از «جیل بلاس سانتیلانی نین سرگذشتی» را که ترجمه منظوم ترکی آن از احمد و فیک پاشا و معاصر میرزاست، تأیید کرده است (رئیس نیا، همان: ۵۱۱-۵۱۲).

غرائب عوائد ملل، که بنا بر نظر مشهور، این کتاب ترجمه «قلائد المفاجر فی غرائب عوائد الاوائل و الاواخر» از رفاعه رافع الطهطاوی معروف به «رفاعه بک (بیک) مصری» می باشد ولی با توجه به دیباچه میرزا حبیب و نیز اشاره خان ملک ساسانی، به نظر می رسد که میرزا، مستقیماً از نسخه فرانسوی آن^۱ که اثر ج. ب. دپینگ^۲ بوده، ترجمه نموده ولی مانند رفاعه بیک مصری «از استحسان و استقباح عادات که مؤلف اصلی جابجا بدان پرداخته» چشم پوشیده و فقط به «نقل عواید و روایت رسوم» بسنده کرده است (میرزا حبیب اصفهانی، بی تا: ۳؛ خان ملک ساسانی: همان: ۱۱۵). در مطبعه «اختر» استانبول در ۱۳۰۳ قمری در ۲۶۰ صفحه به چاپ رسیده است (خان ملک ساسانی، همان: 304؛ Diğiroğlu, 2017). رئیس نیا درج آگهی انتشار این اثر در شماره های مختلف روزنامه اختر را تأیید نموده است (رئیس نیا، همان: ۵۰۰).

^۱ Aperçu Historique Sur Les Moeurs Et Coutumes Des Nations

^۲ Georges Bernard Depping

(۱۷۸۴-۱۸۵۳ م.) مورخ و نویسنده آلمانی-فرانسوی.

تصحیح

دیوان اطعمه ابوسحاق بن اسحاق حلاج شیرازی، که به صورت «تصحیح» و همراه شرح لغت در پایان کتاب، در ۱۳۰۳ قمری در مطبعة ابوالضیاء توفیق در استانبول به طبع رسیده است.

منصور رستگار فسایی این چاپ را «چاپ دقیق دیوان اطعمه» دانسته درباره آن چنین نظری دارد: دیوان طبع اسلامبول مشتمل بر ۱۸۴ صفحه است با خلاصه ای از شرح حال مولانا بسحق که از تذکره دولتشاه نقل شده و فرهنگ کوچکی در معنای پاره ای اصطلاحات طبّاحی و لغات مشکل که این را نباید با فرهنگنامه ای که به قلم مؤلف در پایان کتاب آمده است، اشتباه کرد. میرزا حبیب اصفهانی نخستین تصحیح و چاپ کننده دیوان بسحق، از ایرانیان روشنفکر و با ذوق و خوش قریحه در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری است که در تحقیق ادبی شیوه ای نسبتاً جدید و متین را در پیش گرفته بود (رستگار فسایی، ۱۳۸۲: پنجاه و پنج).

دیوان البسه نظام الدین محمود قاری یزدی، که میرزا حبیب آن را پس از دیوان اطعمه مولانا ابواسحاق، تصحیح و مقدمه نویسی کرده و در ۱۳۰۳ قمری در استانبول به چاپ رسانده است. تصحیح دیوانهای شعر اطعمه شیرازی و نظام قاری و نیز، دستورسخن - که بدان نیز خواهیم پرداخت - می تواند از لحاظ بُعد روشنفکرانه و تجلّدخواهانه زندگی میرزا حبیب، نتیجه ارتباط وی با اروپائیان و نشانه تجلّد موجود در محیط وقت عثمانی بوده باشد (ریاحی، ۱۳۶۹: ۲۵۶). رحیم رئیس نیا درج آگهی انتشار دو دیوان مزبور در شماره های مختلف روزنامه اختر را تأیید کرده است (رئیس نیا، همان: ۴۹۹).

دیگر آثار

منتخب لطائف عبید زاکانی که به عنوان کتاب درسی در ۱۳۰۳ ق. در مطبعة ابوالضیاء توفیق در استانبول به چاپ رسیده است. خانم فیلیز دیغیراوغلو درباره این اثر معتقد است که این گزیده از لطایف عبید زاکانی را «ابوالضیاء محمد توفیق» برای چاپ به عنوان کتابی درسی انتخاب و طبع نموده و میرزا حبیب و مسیو فرته، هریک به صورت جداگانه، صرفاً مقدمه ای برای آن نوشته اند (Dıgiroğlu, 2017: 303).

منتخبات گلستان که در کنار «برگ سبز» (اثر دیگر میرزا حبیب در دستور زبان فارسی) به عنوان کتاب درسی برای تدریس در دارالشّفقه در ۱۳۰۹ ق. در استانبول طبع شده است (Dıgiroğlu, 2017: 303). زندگینامه و منتخب آثار و اشعار به دستخط خود میرزا حبیب که با نام «مجموعه آثار و فوائد» در کنار «فهرست کتابهای موجود در کتابخانه اندرونی مسجد ایاصوفیه» (فهرست نویسی کتب اندرونی جامع ایاصوفیه) در کتابخانه «آثار نادر» در دانشگاه استانبول نگهداری می شود.